علم اصول الفقه

۱۱-۸-۱۴۰۵ القسم الثانی:الحجه

على النظام

۱۶

دراسات الاستاذ:

مهدي الهادوي الطهراني

• مراحل کشف عناصر دینی

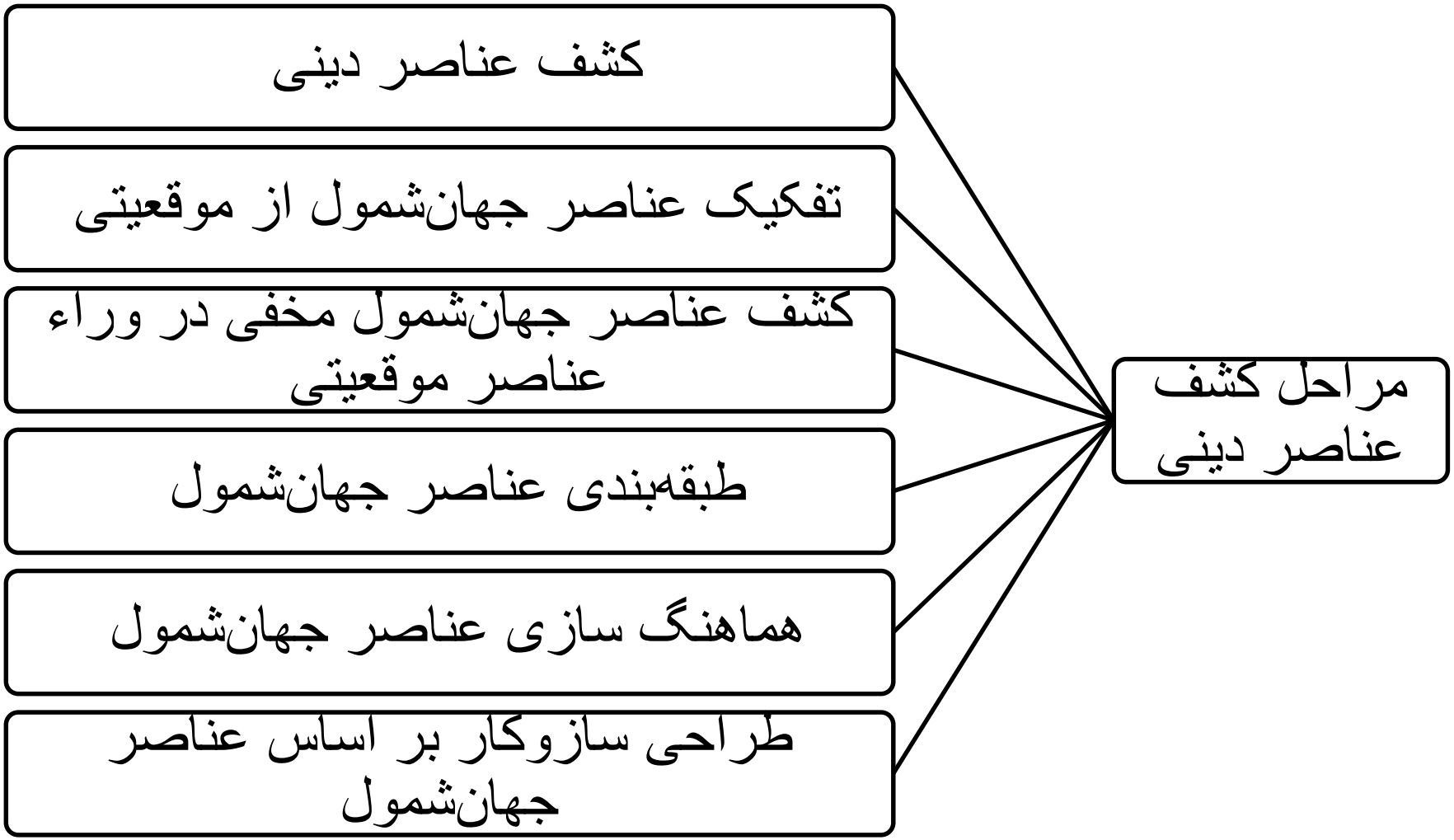

• مراحل کشف عناصر دینی

- مراحل کشف عناصر دینی
  - عناصر دینی را کشف کنیم.
  - عناصر جهان‌شمول را از موقعیتی تفکیک کنیم.
  - عناصر جهان‌شمولی را که در پشت عناصر موقعیتی هستند به دست بیاوریم.
  - عناصر جهان‌شمول را طبقه‌بندی کنیم.
  - آن‌ها را با هم هماهنگ کنیم
  - بر اساس عناصر جهان‌شمول سازوکار را طراحی کنیم

• مراحل کشف عناصر دینی

- اما بحث مراحل دستیابی به فلسفه، نظام و سازوکار، ما برایش شش مرحله در نظر گرفتیم که ما عناصر دینی را کشف کنیم عناصر جهان‌شمول را از موقعیتی تفکیک کنیم. عناصر جهان‌شمولی را که در پشت عناصر موقعیتی هستند به دست بیاوریم. عناصر جهان‌شمول را طبقه‌بندی کنیم. آن‌ها را با هم هماهنگ کنیم و در مرحله آخر بر اساس عناصر جهان‌شمول سازوکار را طراحی کنیم که حالا توضیح این مراحل شش‌گانه را باید اشاره کنیم:

• مراحل کشف عناصر دینی

- اما **مرحله اول** که بحث استخراج عناصر دینی است یعنی همین کاری که فقها انجام می‌دادند و فقها عناصر دینی را محدود می‌دانستند به احکام شرعی. خب فقط احکام را استنباط می‌کردند. حالا ما که دایره بحثمان را توسعه می‌دهیم مقصودمان استنباط هرگونه عنصری است که در دین وجود دارد.

• مراحل کشف عناصر دینی

- حالا بعداً این عنصر معلوم بشود عنصر مکتب باشد، عنصر نظام باشد، معلوم بشود این عنصر عنصر ساز و کار است، معلوم بشود حکم است، حکم ثابت است یا حکم متغیر، آن بحث دیگری است. ما عناصر دینی را استخراج می‌کنیم.

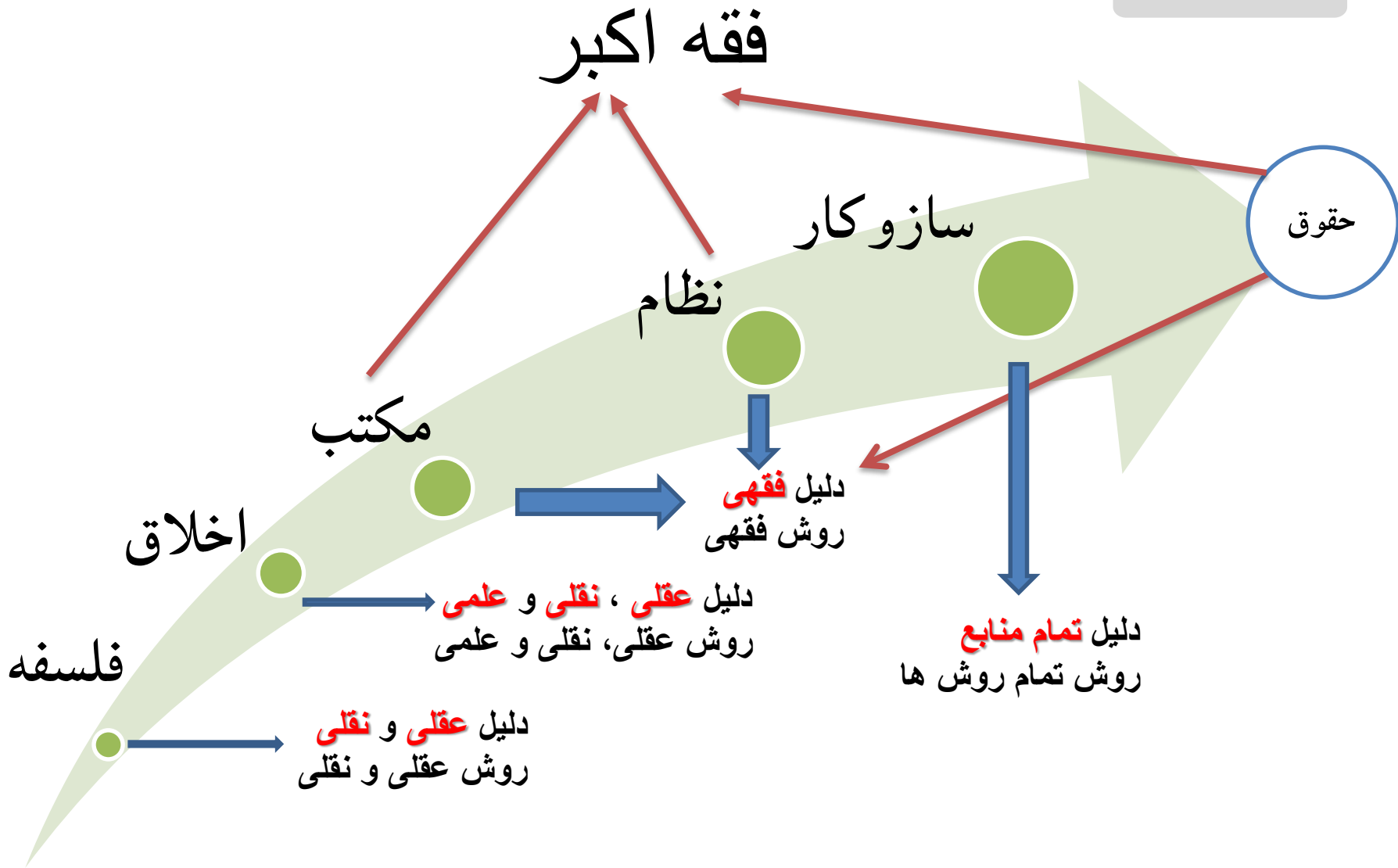

نظریه اندیشه مدون(سیستمی) در اسلام

• مراحل کشف عناصر دینی

- البته همان‌طوری که قبلاً اشاره کردیم الان هم شاید دوباره تکرار شد مکتب و نظام و احکام کار فقهی است ولی فلسفه و اخلاق در این بحثی که ما می‌گوییم کار فقهی نیست. این از سنخ مباحث فلسفی و کلامی و مباحث اخلاقی است.

• مراحل کشف عناصر دینی

- الان که می‌گوییم کشف عناصر دینی حتی فراتر از فقه مورد نظر ماست حتی فقه به این معنایی که الان گفتیم فقه به معنای وسیع کلمه یا فقه بالمعنی الاعم... این فقط مورد نظر ما نیست در کشف عناصر دینی بلکه ما باید یک کار کلامی هم انجام دهیم که فلسفه را استنباط کنیم و کار اخلاقی انجام دهیم و اخلاق را استنباط کنیم.

• مراحل کشف عناصر دینی

- بنابراین ما وقتی می‌گوییم کشف عناصر دینی یعنی مجموعه عناصری که دین مثلاً در حوزه اقتصاد دارد. این‌ها را کشف کنیم که برای این کار ما هم باید فلسفه را که یک کار فلسفی و کلامی است و اخلاق را نیز کشف کنیم. عناصر را هم مکتب را هم نظام را هم احکام را که این‌ها کار فقهی هستند...

نظریه اندیشه مدون در اسلام

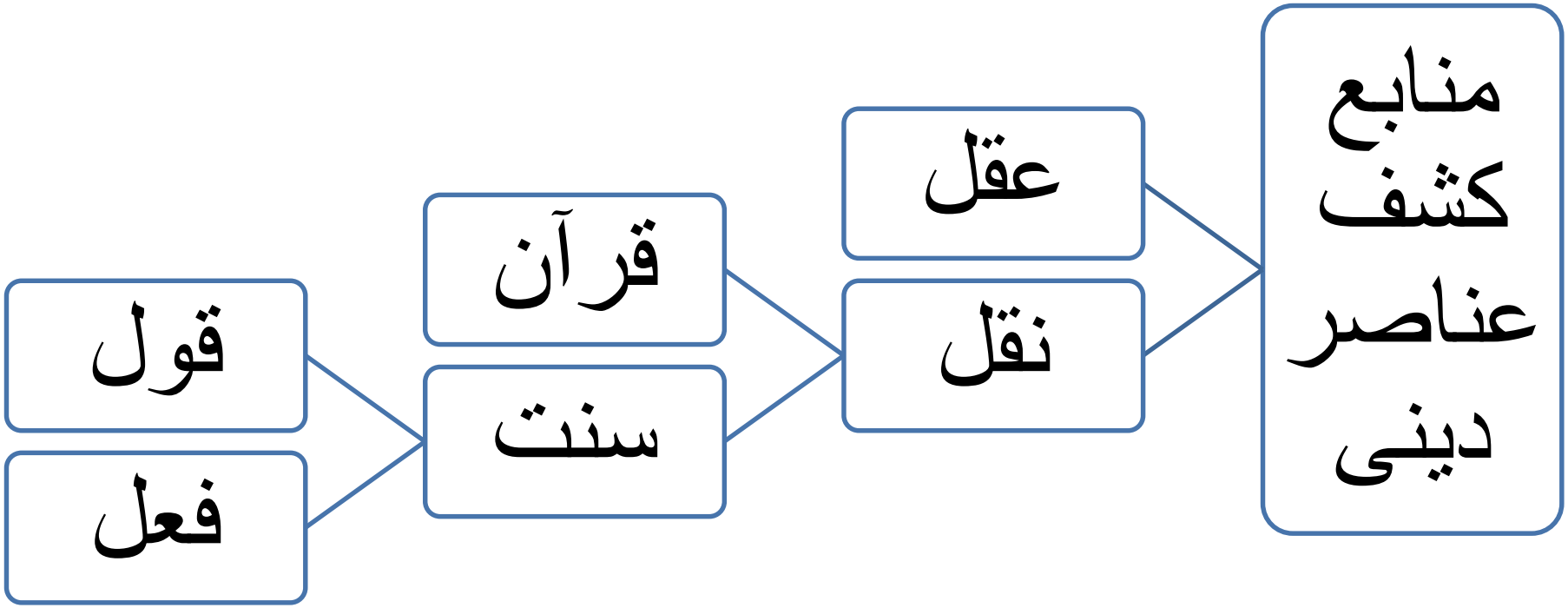

• مراحل کشف عناصر دینی

- خب دین یک منابعی دارد. این منابع عبارتند از قرآن و سنت و یک روش‌هایی که ما در واقع با آن روش‌ها به سراغ این منابع می‌رویم و با استفاده از آن روش‌ها از آن منابع عناصر دینی را به دست می‌آوریم. خب قطعاً وقتی ما توسعه می‌دهیم در دایره عناصر دینی روش‌هایی را که برای استخراج این عناصر هم داریم باید توسعه بدهیم.

• مراحل کشف عناصر دینی

- البته روش‌هایی که در صورت متعارف وجود داشته همان‌طوری که در بحث تاریخ علم اصول گفتیم روش‌هایی است که سنگ بنای آن را خود معصومین علیهم‌السلام گذاشتند و در طول قرن‌ها توسط فقها این‌ها توسعه پیدا کرده و امروز به یک ساختار منسجمی ما در حوزه استنباط احکام دست پیدا کردیم که آن ساختار در حوزه استنباط مکاتب هم قابل‌استفاده است.

• مراحل کشف عناصر دینی

- بنابراین ما برای کشف عناصر دینی در واقع از یک طرف باید مراجعه کنیم به نصوص دینی که منابع ما هستند.
- از طرف دیگر از روش‌هایی استفاده کنیم که مورد قبول اهل‌بیت علیهم‌السلام باشد که حالا این روش‌ها را ما مجموعاً اسمش را می‌گذاریم همان شیوه فقه سنتی؛ همان تعبیری که حضرت امام رضوان‌الله تعالی علیه به کار بردند.

• مراحل کشف عناصر دینی

- البته همان‌طوری که این تعبیر بارها و بارها تفسیر شده مقصود از شیوه فقه سنتی محتوا نیست یک روش است که ممکن است در نتایج با گذشتگان متفاوت باشد همان‌طوری که خود امام هم فتوایشان با فتاوای گذشتگان فرق دارد. ضرورتاً همان فتوا نیست اما شیوه همان شیوه است. بستر و روشی که با آن به احکام به نصوص و منابع دینی مراجعه شده همان است.

• مراحل کشف عناصر دینی

- نکته دیگری که باز باید به آن توجه کنیم این است که منابع دین محدود به منابع نقلی نیست یعنی قرآن و سنت بلکه یک منبع دیگر دین عقل است که البته این که عقل چه مقدار در کشف عنصر دینی می‌تواند به ما کمک کند و چه عناصری از دین را می‌توان با کمک عقل به دست آورد بحثی است که در مباحث علم اصول به آن پرداخته شده است.

• روش کشف عناصر دینی

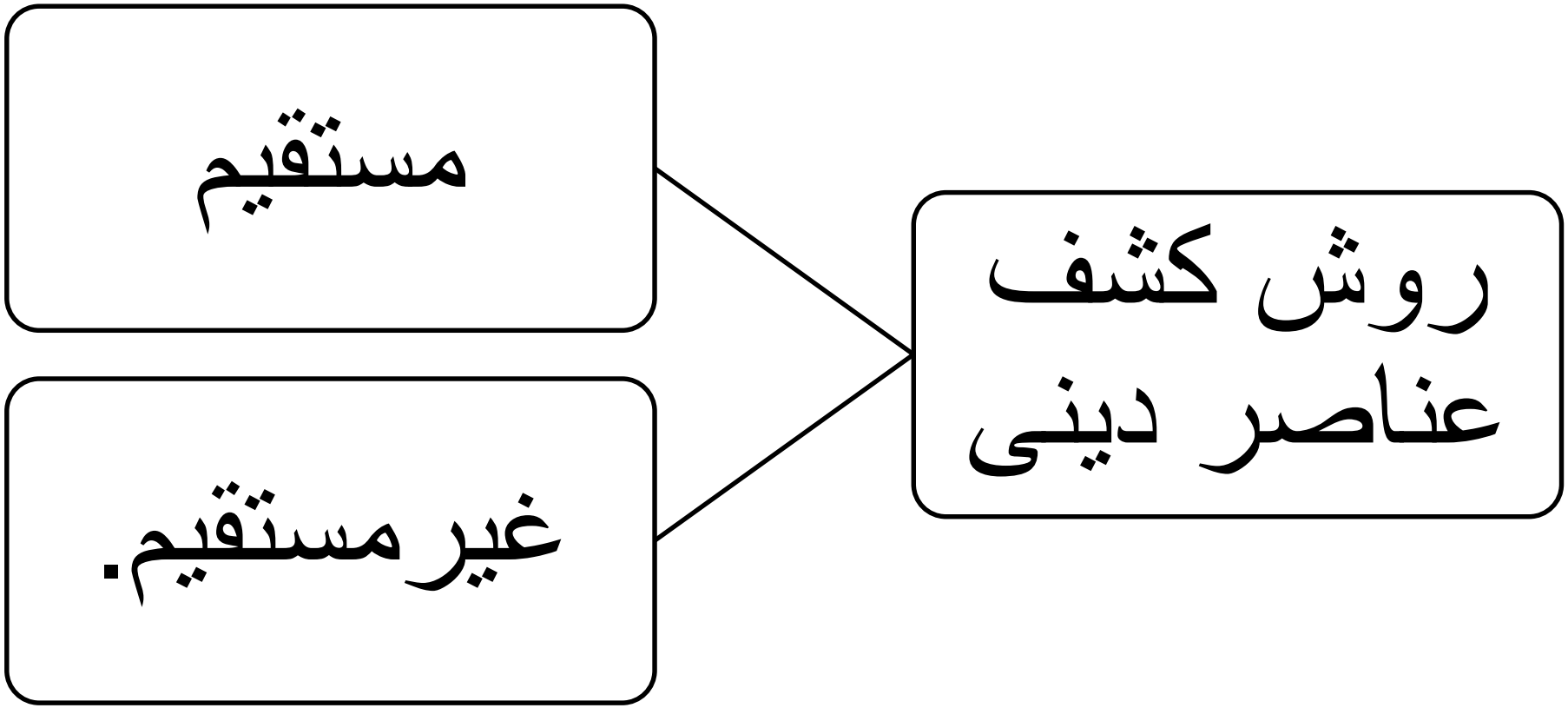

• مراحل کشف عناصر دینی

- خب ما در کشف عناصر دینی غیر از اینکه می‌توانیم مستقیماً مراجعه کنیم به قرآن و سنت، به روش‌هایی که شناخته‌شده یا مراجعه کنیم به عقل و سعی کنیم از این طریق عناصر دینی را به دست بیاوریم چه عنصر، عناصر حوزه فلسفه چه عناصر حوزه مکتب نظام یا احکام.

• مراحل کشف عناصر دینی

- یک نکته دیگری که در بحث‌های مـا روی آن تأکیـد شد و تکرارهای گذشته یک مقداری برای این بیان بود که بگوییم بین مفاهیم دینی یک ارتباط وجود دارد.

• مراحل کشف عناصر دینی

- این‌طوری نیست که عناصری که مثلاً دین در حوزه فلسفه دارد یا در زمینه اقتصاد دارد با عناصری که در زمینه مکتب دارد یا در زمینه نظام دارد بی‌ارتباط باشند. الان اشاره کردیم که در واقع فلسفه زیرساخت مباحث مکتب، مکتب خودش زیرساخت مباحث نظام است و نظام تجلی بیرونی‌اش می‌شود ساز و کار.

• مراحل کشف عناصر دینی

- این تفاوتی که بین عناصر دینی در یک زمینه مـثلاً در اقتصاد وجود دارد، خـودش یـک راهـی اسـت بـرای کشف عناصر دینی؛ یعنی ما احیاناً مراجعه مـی‌کنیم بـه متن دین (قرآن و سنت) یا با کمـک عقـل عنصـری از عناصر فلسفه را کشف می‌کنیم.

• مراحل کشف عناصر دینی

- این عنصر از عناصر فلسفه اقتضا می‌کند عنصری را در مکتب که مثلاً اگر ما بپذیریم چنین واقعیتی به صورت یک امر واقعی به عنوان یک قضیه‌ی هست وجود دارد، باید چنین اعتباری هم داشته باشیم.

• مراحل کشف عناصر دینی

- حالا به عنوان مثلاً یک عنصری از فلسفه را به دست می‌آوریم به کمک آن عنصری از مکتب را کشف می‌کنیم یا از طریق مکتب که مثلاً ما مبانی و اهداف را به دست آوردیم برخی از عناصر نظام را کشف می‌کنیم. ما به این روش گفتیم روش غیرمستقیم.

• مراحل کشف عناصر دینی

- بنابراین روشی که ما داریم برای به دست آوردن عناصر دینی می‌توانیم ابتدائاً تقسیم کنیم به دو مورد: یک روش مستقیم یا راه مستقیم. دو روش غیرمستقیم.

• مراحل کشف عناصر دینی

- مقصودمان از راه مستقیم یا روش مستقیم این است که مستقیماً مراجعه کنیم به نصوص. مراجعه کنیم به قرآن، به سنت یا مراجعه کنیم به عقل و از طریق مراجعه به عقل یا مراجعه به نصوص، عناصر دینی را به دست بیاوریم. مقصود ما از طریق غیرمستقیم این است که از طریق ارتباطی که بین این عناصر وجود دارد آن‌ها را کشف کنیم.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- من اینجا یک نکته‌ای را عرض کنم. یک تفاوتی بین دیدگاه ما و دیدگاه شهید صدر رضوان‌الله‌علیه که در کتاب اقتصادنا این دیدگاه را مطرح کردند وجود دارد که به این تفاوت باید دقت شود.

نظریه اندیشه مدون در اسلام

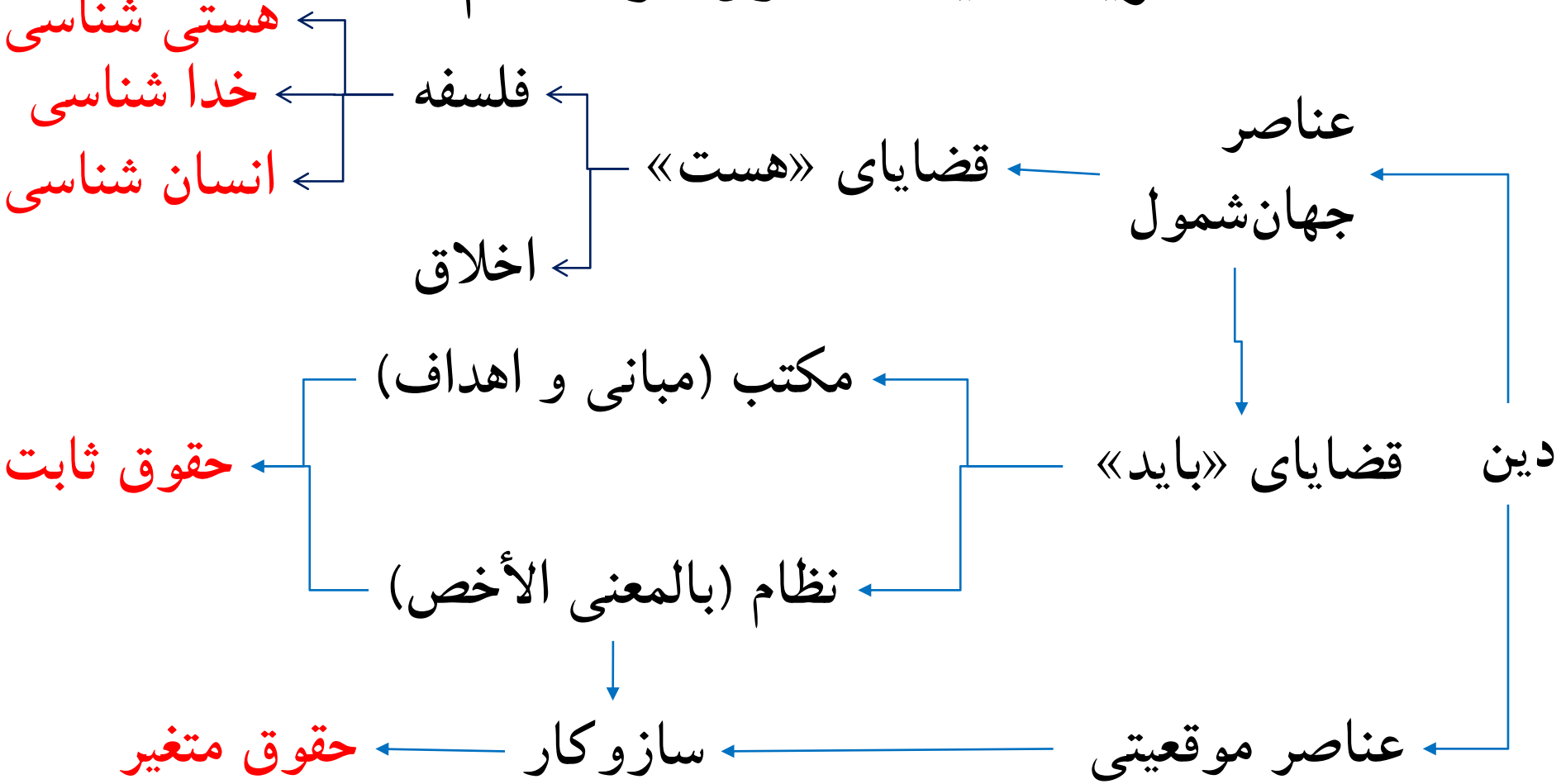

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- ببینید شهید صدر این تفکیکی که ما در عناصر کردیم یعنی عناصر را اولاً به جهان‌شمول و موقعیتی تقسیم کردیم، بعد عناصر جهان‌شمول را به باید و هست و عناصر باید یعنی اعتباری را به مکتب و نظام و بعد برای مکتب و نظام گفتیم یک سری حقوق پیدا می‌شود، برای سازوکار یک سری حقوق پیدا می‌شود، آقای صدر با ما در خیلی از این بحث‌ها تفاوت دارد.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- اولاً از ظاهر تعابیر ایشان یا لااقل عدم پرداختن ایشان به این بحث این برمی‌آید که ایشان معتقدند عناصر دینی همگی جهان‌شمول هستند. اصلاً عنصر موقعیتی در دین یا ایشان این را نادیده گرفته یا وجودش را قبول نداشته است. بنابراین اصلاً چیزی به نام عنصر موقعیتی را ایشان ندارد در بحثش. در عناصر جهان‌شمول که ایشان کل دین را محدود به آن می‌داند قائل به فقط دو عنصر است: یک چیزی که به آن می‌گوید زیربنا. اسمش را گاهی گذاشته نظام، گاهی

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- در بحث روش به دست آوردن عناصر مکتب آقای صدر یک روشی را پذیرفته است. ایشان می‌گوید که در مکاتب بشری بشر اول یک مکتب انتخاب می‌کند که حالا ایشان در اقتصادنا توضیح می‌دهد. می‌گوید مثلاً مکتب سوسیالیسم را انتخاب می‌کند یا مکتب سرمایه‌داری را انتخاب می‌کند.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- بر اساس آن مکتبی که انتخاب کرده می‌آید قانون‌گذاری می‌کند. می‌گوید بشر این کارِ را می‌کند. اول می‌آید یک مکتب انتخاب می‌کند مثلاً سوسیالیسم یا سرمایه‌داری، بعد می‌آید قانون می‌گذارد.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- می‌گوید خدا هم همین کار را کرده شریعت هم همین کار را کرده است. یعنی یک مکتب ارائه کرده، یک مکتب را پذیرفته است و بر اساس آن مکتب آمده احکام را قرار داده است.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- آقای صدر می‌گوید اما آن‌چه که شارع به ما گفته احکام است؛ یعنی شریعت آمده احکام را برای ما بیان کرده است. حالا ما چطور مکتب را به دست بیاوریم؟ می‌گوید ما از طریق احکام باید به مکتب دست پیدا کنیم.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- می‌گوید تنها راهی که ما داریم برای دستیابی به مکتب این است که از طریق احکام برویم سراغ عناصر مکتب.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- یعنی در واقع در این بحث روش‌ها که الان اشاره کردم که ما دو روش مطرح می‌کنیم: روش مستقیم یا راه مستقیم و روش غیرمستقیم... آقای صدر فقط معتقد به روش غیرمستقیم است در کشف عناصر مکتب. (حالا به اصطلاح ایشان گاهی نظام) ولی به اصطلاح ما می‌شود مکتب.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- برای همین شما اگر دقت کنید اقتصادنا دو جلد است. اقتصادنا دو بخش است. بخش اول اقتصادنا شهید صدر آمده نظام سرمایه‌داری و مارکسیسم را تحلیل کرده بر اساس آن تحلیل در واقع به این الگو دست پیدا کرده که یک مکتب داریم به عنوان زیربنا. یک احکام داریم به عنوان روبنا.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- اصطلاح زیربنا و روبنا را هم ایشان زیاد به کار برده که من به کار نمی‌برم معمولاً و این اصطلاح به اصطلاحات مارکسیستی شبیه است. چون ایشان در فضای اقتصادنا آن‌ها را نوشته که اندیشه مارکسیستی در عراق مطرح بوده. چون ایشان بعد از اینکه حزب بعث در عراق توسط میشل عفلق در واقع شکل گرفت که هم در عراق بود هم در سوریه آقای صدر اقتصادنا را نوشت در نقد مبانی آن‌ها.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- اقتصادنا و فلسفتنا را نوشت، چون در آن فضا نوشته ایشان مثل آقای مطهری... بعضی از آثاری هم که آقای صدر استفاده کرده در اقتصادنا و فلسفتنا همین کتاب‌های آقای مطهری بوده و کتاب‌های دیگری که آقای مطهری از آن‌ها استفاده کرده است؛ مثل کتاب‌های تقی ارانی

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- البته در چاپ اول این کتاب‌های آقای صدر این مصادر ذکر شده، در چاپ دوم که در لبنان منتشر شده، چون چاپچی‌های لبنانی استاد از بین بردن کتاب هستند و فقط هنرشان این است که کاغذ خوب و صحافی خوب و چاپ خوب دارند، این‌ها آمدند تمام مصادر کتاب را ریختند دور و حذفش کردند.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- به خاطر اینکه یک صعوبتی داشته تطبیق مصادر با صفحات کتاب جدید چون حروف‌چینی عوض می‌شده، کلش را ریختند دور. در نتیجه در این اقتصادنا و مثلاً فلسفتنا نسخه چاپ‌شده لبنان که بعداً منبع سایر نسخه‌ها شد در ایران، از آنجا گرفتند. وقتی نگاه بکنی احساس می‌کنی آقای صدر مثلاً هیچ مصدری نداشته و از هیچ منبعی استفاده نکرده در حالی که این‌جوری نیست آقای صدر.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- مثلاً مارکسیسم و سرمایه‌داری را خودش که ابداع نکرده که بدون منبع ذکر کند. از یک منبعی این‌ها را استفاده کرده.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- مباحث اسلامی را آقای صدر رحمه‌الله‌علیه محدود می‌کند در راه غیرمستقیم (کشف عناصر دینی ر محدود میکند در راه غیرمستقیم) یعنی می‌گوید ما فقط از طریق احکام می‌توانیم برسیم به عناصر مکتب.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- اینجا یک بحثی مطرح می‌شود که بعضی از شاگردان ایشان این بحث را در واقع داشتند و معتقد بودند که این روشی که ایشان ارائه کرده روش درستی نیست.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- آقای صدر خودش از این روش استفاده کرده در جلد دوم اقتصادنا ؛یعنی شما اگر مراجعه کنید اقتصادنا جلد دوم بخش دوم اقتصادنا در کتاب‌های تک‌جلدی پرداخته به مکتب اقتصادی اسلام و ایشان از طریق احکام یا به اصطلاح خودش روبنا، سعی کرده زیربنا را به دست بیاورد ولی ادعای ما اینجا این است، حرف ما این است که اصلاً این تنها راه نیست.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- البته ما قبول داریم که می‌شود از طریق ارتباطی که این عناصر با هم دارند بعضی از آن‌ها را کشف کرد ولی غیر از آن ما می‌توانیم از طریق مراجعه مستقیم به منابع دینی یعنی کتاب و سنت یا از طریق مراجعه به عقل هم این عناصر را کشف کنیم.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- ایشان می‌گوید احکام را مستقیم می‌رویم از طریق شریعت، از طریق ادله به دست می‌آوریم. بعد از طریق تجمیع احکام... روشی که ایشان در جلد دوم اقتصادنا این روش را تطبیق کرده عیناً. این کار را عیناً ایشان انجام داده. آنجا گفته ما از طریق تجمیع احکام می‌آیم زیربنا را کشف می‌کنیم.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- در موقع تجمیع احکام ایشان با یک معضلاتی مواجه شده که آن معضلات باعث شده ایشان خودش هم می‌گوید که این الگویی که من می‌دهم در جلد دوم اقتصادنا نمی‌گویم ضرورتاً اقتصاد اسلامی همین است و دیگر غیر از این چیز دیگری نیست.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- می‌گوید نه این یک الگو است فقط برای اینکه ایده‌ای که من دارم روشن بشود. چون ایشان وقتی می‌خواهد احکام را تجمیع بکند و از تجمیع احکام دسته‌هایی از احکام بیاید یک عنصر مثلاً مکتب را به دست بیاورد،

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- مجبور شده گاهی از اوقات احکام را بر اساس مبانی مختلف انتخاب کند؛ یعنی مثلاً یک فتوا از علامه حلی بگیرد، یک فتوا مثلاً از صاحب جواهر بگیرد، یک فتوا مثلاً از فرض کن مرحوم آقای خویی بگیرد، بعد از طریق این‌ها سه تا مبنای مختلف برساند به یک جا.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- چون دیده اگر آن مسئله را... اگر همه را از آقای مثلاً خویی بگیرد یا از علامه بگیرد یا از صاحب جواهر بگیرد به نتیجه نمی‌رسد. این یکی از مشکلاتی است که ایشان در مقام تطبیق روش خودش با آن مواجه بوده.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- البته ظاهر کلمات شهید صدر این است که بعضی جاها از روش مستقیم استفاده کرده ولی خب خودش چیزی که گفته... ببینید ایشان ابتدائا یک بحثی دارد به صورت تئوریک. همان که اشاره کردم .ایشان می‌گوید که در مکاتب و نظام‌های بشری، بشر اول یک مکتب انتخاب می‌کند بعد بر اساس آن قانون‌گذاری می‌کنیم. بعد می‌گوید خدا هم همین کار را کرده. اول یک مکتب انتخاب کرده، بعد قانون‌گذاری کرده

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- اما آن قسمتی را که به ما گفته، قوانین است. بعد می‌گوید خب پس در منابع ما قوانین است، احکام است، احکام را ما می‌رویم استنباط می‌کنیم و از طریق استنباط احکام می‌آییم مکتب را به دست می‌آوریم. از این طرف می‌آییم در مقام اثبات، هرچند در مقام ثبوت اول مکتب بوده و بعد احکام.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- این را ایشان می‌گوید ولی در موقعی که بحث می‌کند بعضی جاها نمونه‌هایی که ذکر می‌کند، ما نگاه می‌کنیم می‌بینیم در واقع از طریق مستقیم این‌ها را به دست آورده نه از طریق تجمیع که مثلاً موردش که حالا ایشان خیلی زیاد هم در کتاب‌های مختلفش اشاره کرده این است: «لکَی لا یَکُونَ دُولَةً بَیْنَ الْأَغْنیَاء منْکُمْ» که ایشان این را ذَکر می‌کند که به عنوان یکی اَز مثلاً علل ذکر شده در قرآن.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- این را ایشان می‌گوید می‌توانیم از آن این عنصر را به دست بیاوریم که خود اینکه پول در یک بخشی از جامعه تجمّع پیدا نکند، ثروت در یک جایی از جامعه تجمع پیدا نکند، خود این یکی از اهداف اقتصادی اسلام است و یکی ازَ عناصرِ عدالت اقتصادی در اسلام است که خب این مستقیماً از همین عبارت از آیه استنباط شده و این‌طور نیست که ما از تجمیع احکام بدست آورده باشیم.

تفاوت نظریه اندیشه مدون با نظر شهید صدر(ره)

- بله البته ایشان اشاره می‌کند که احکامی که ما داریم آن‌ها هم همین نتیجه را می‌دهد که بعد به احکام زکات و خمس و این‌ها ایشان اشاره می‌کند.

• روش کشف عناصر دینی

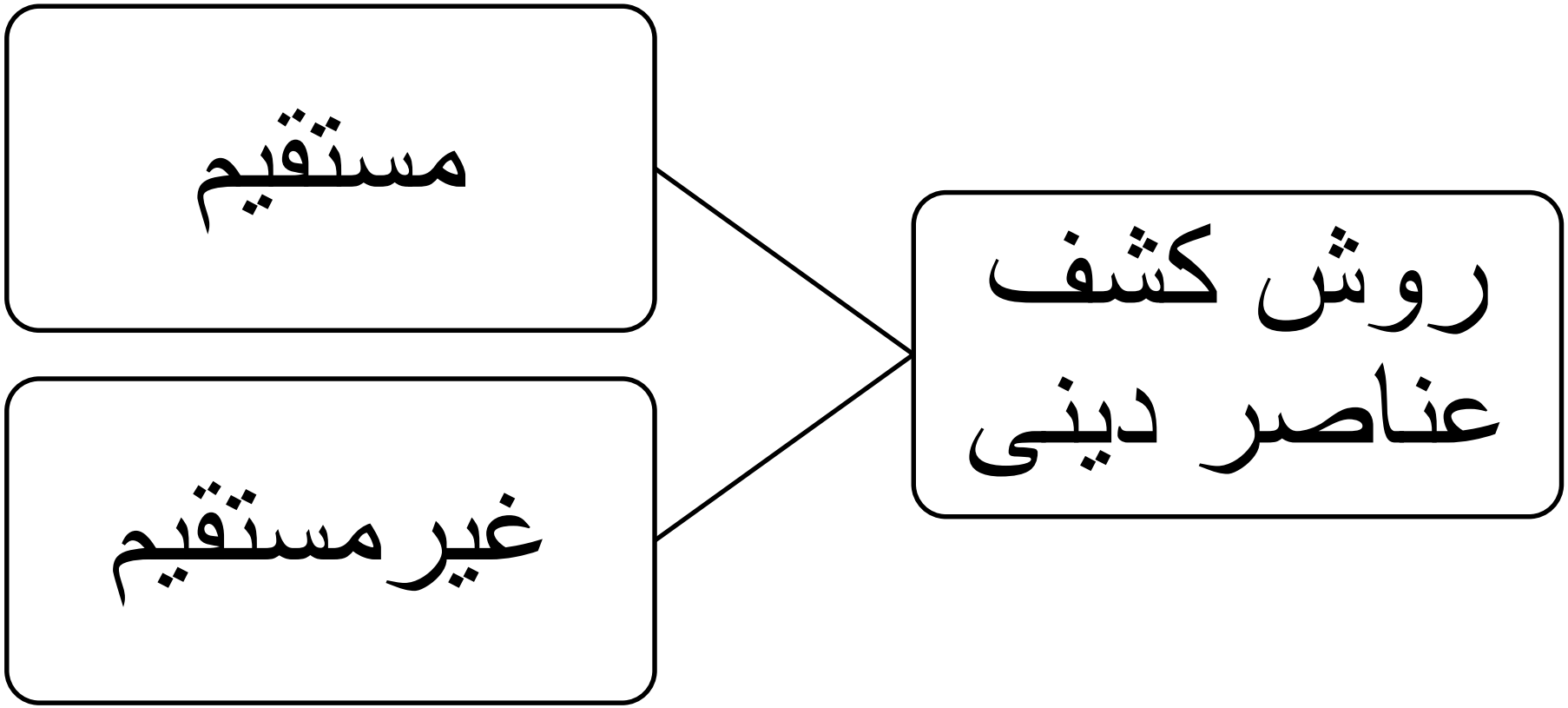

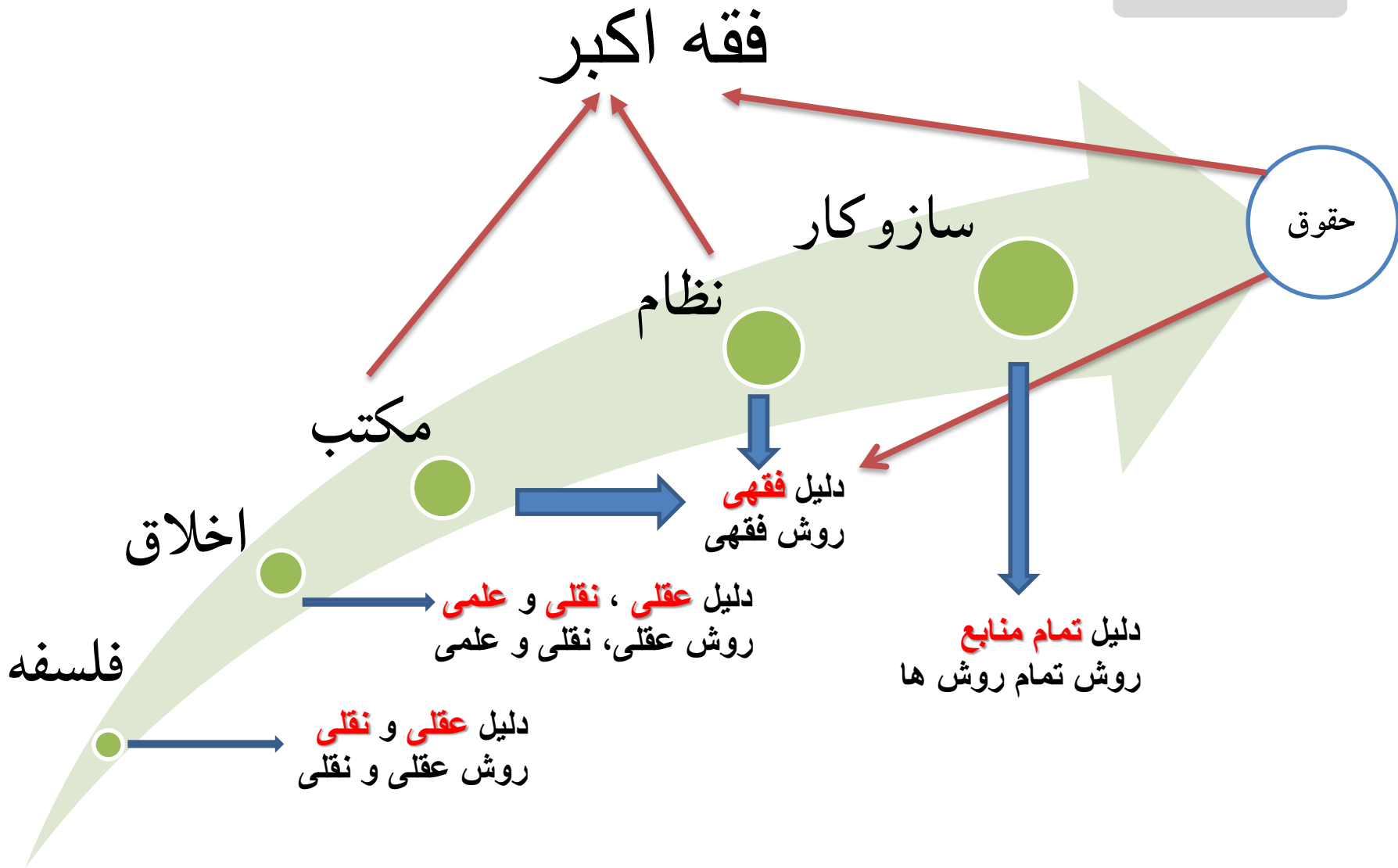

نظریه اندیشه مدون(سیستمی) در اسلام

• روش کشف عناصر دینی

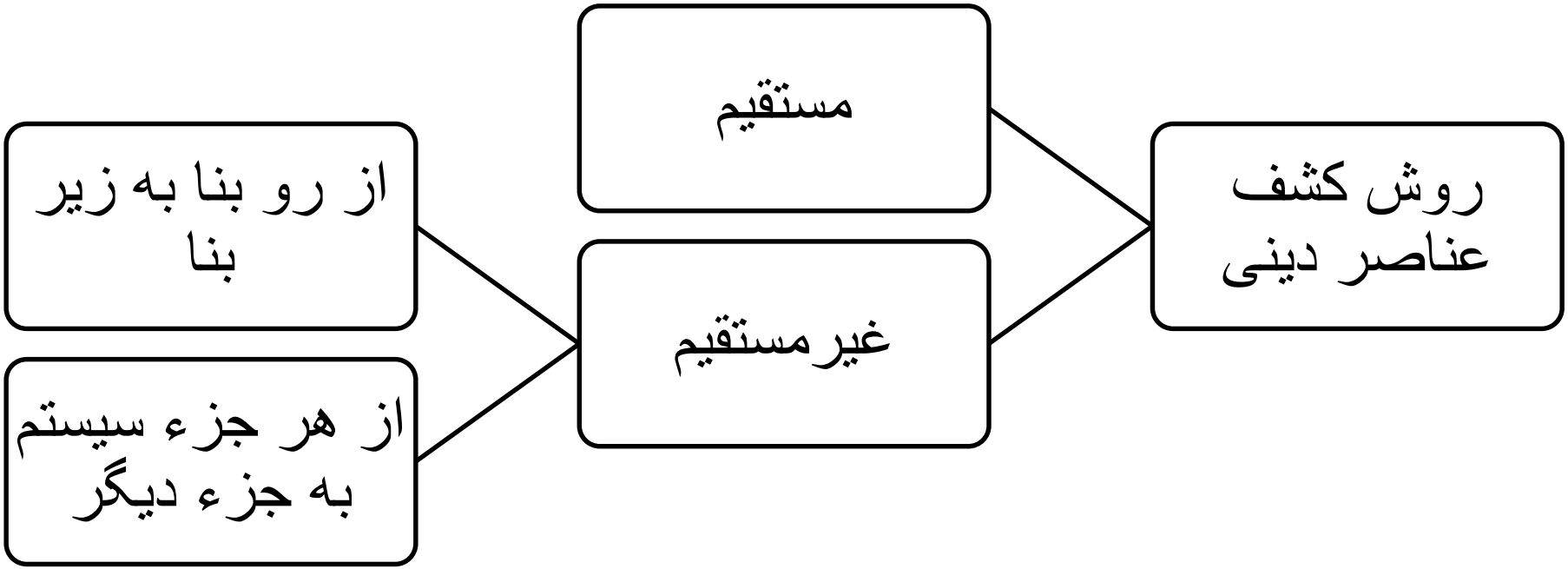

• روش کشف عناصر دینی

